با بالا رفتن سن، ما به‌صورت مداوم از محیط اطراف پیام‌هایی دریافت می‌کنیم که ناتوانی و اتمام فرصت را به ما القا می‌کنند. پیام‌هایی که بسیاری از ما حتی متوجه آن نیستیم

معرفی فیلم جذاب علوم انسانی و نگاهی جدید به پدیده «سن‌گرایی»

بحران ۳۰ سالگی

نوشین تقیلی
نویسنده

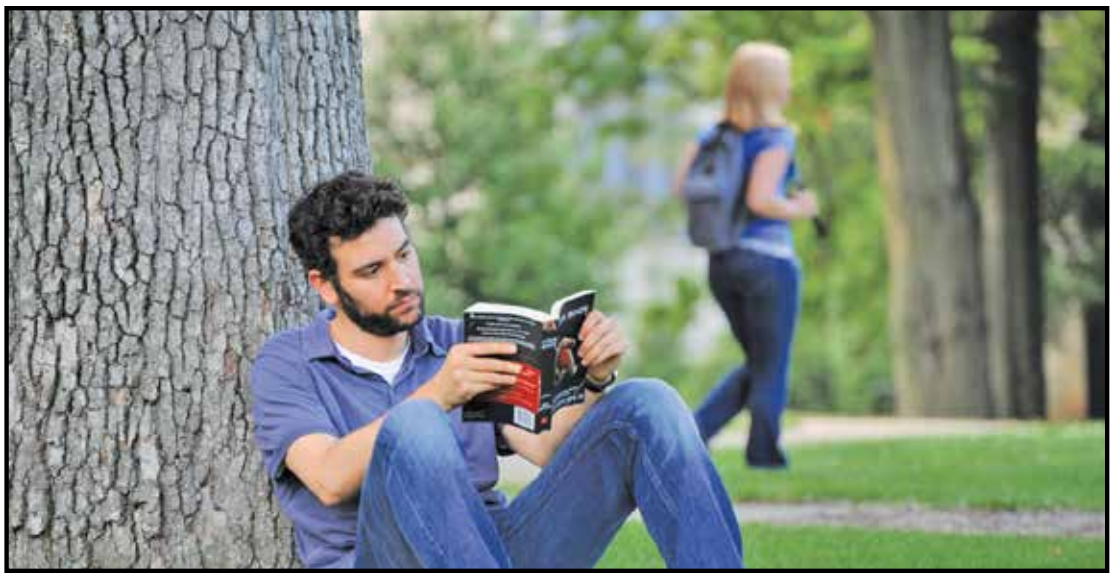

دو هفته قبل تولد من بود. سی و دو سالگی را تمام کردم و وارد سی و سه سالگی شدم. در دوران نوجوانی من، سی و دو ساله‌ها آدم بزرگ به حساب می‌آمدند. اغلب خانم‌ها در این سن حداقل دو فرزند داشتند. من هم وقتی در اوایل بیست سالگی بودم، سی و دو سالگی خودم را طور دیگری تصور می‌کردم. مطمئن بودم حدود ۲۶-۲۵ سالگی ازدواج می‌کنم و قبل از سی سالگی اولین فرزندم را هم به دنیا خواهم آورد. ولی تقریباً هیچ چیز شبیه تصوراتم نشد.

امروز، من یک دخترسی و دو ساله مجرد و دانشجو هستم. و از همه مهمتر، از نظر احساسات، شور و شوق زندگی و هیجانات یک دختر ۱۸ ساله به حساب می‌آیم. وقتی به زندگی مشترک و مادر شدن فکر می‌کنم، هنوز نمی‌توانم خودم را در قالب یک مادر و همسر تصور کنم. بارها وقتی راجع به این مسأله با اطرافیانم صحبت کرده‌ام، گفته‌ام که من هنوز آمادگی ندارم! و معمولاً پاسخی که دریافت می‌کنم این است: تو در دهه چهارم زندگی‌ات هستی! دیر می‌شود!

چه چیزی دیر می‌شود؟ برای ازدواج و مادر شدن؟ مگر سن تعیین کننده توانایی ما برای تشکیل و مدیریت خانواده است؟ یعنی هر انسانی که بیشتر از سی سال سن داشته باشد به خودی خود توانایی تربیت فرزند را به دست می‌آورد؟ انگار که یک جدول زمان‌بندی نامرئی در جامعه وجود دارد که برای انجام هر کاری بازه زمانی تعیین کرده است و هرکس که در این بازه‌ها درس نخواند، ازدواج نکند، بچه‌دار نشود، شغل ثابت پیدا نکند، خانه نخرد، نوه‌دار نشود و حتی نمیرد، دچار باخت شده است.

سن یکی از اولین چیزهایی است که در دیگران متوجه آن می‌شویم. این مسأله اغلب برای دسته‌بندی و تقسیم افراد به شیوه‌هایی استفاده می‌شود که منجر به آسیب، ضرر و بی‌عدالتی می‌شود و همبستگی بین نسل‌ها را از بین می‌برد. به این مسأله سن‌گرایی (ageism) گفته می‌شود، یعنی کلیشه‌ها (چگونه فکر می‌کنیم)، تعصب (چگونه احساس می‌کنیم) و تبعیض (نحوه رفتار ما) نسبت به دیگران یا خود بر اساس سن. سالمندی مسأله‌ای فراگیر است، افراد در تمام سنین از دوران کودکی به بعد تحت تأثیر این موضوع قرار می‌گیرند و پیامدهای جدی و گسترده‌ای برای سلامت، رفاه و حقوق بشر افراد دارد. سن‌گرایی را می‌توان در نهادها، در تعاملات بین مردم و درون خودمان پیدا کرد و دید. نهم مهرماه روز جهانی سالمند است. روزی که چندان به چشم نمی‌آید و کل دستاوردآن چند شعار است که سالانه تغییر پیدا می‌کند. شعارهایی که اتفاقاً به مسأله سن‌گرایی دامن می‌زنند. سن‌گرایی با وجود گستردگی و تأثیر منفی آن بر افراد و جامعه تا حد زیادی نامرئی باقی مانده است. با این حال، می‌توان با آن مبارزه کرد. تغییر سیاست‌ها و قوانین، فعالیت‌های آموزشی و تعاملات بین نسلی همگی برای کاهش سن‌گرایی مؤثر هستند. برای ایجاد جهانی مناسب برای همه سنین، ذینفعان در سراسر کشورها، بخش‌ها و رشته‌ها باید روی این سه استراتژی سرمایه‌گذاری کنند، از تحقیقات بیشتر و جمع‌آوری داده‌ها در این زمینه حمایت کنند و به جنبش جهانی برای تغییر روایت‌های منفی در مورد سن و سالمندی بپیوندند. به مناسبت این روز، می‌خواهم فیلمی را معرفی کنم که هم برای درک مسأله سن‌گرایی مناسب است و هم می‌تواند در این روزهای پاییزی باعث بهتر شدن حالتان شود. فیلم «علوم انسانی» (Liberal Arts) به نویسندگی، کارگردانی و بازی جاش ردنر (شخصیت جذاب تد در سریال چگونه با مادرتان آشنا شدم) در سال ۲۰۱۲ اکران شد. پیش از شروع صحبت در مورد فیلم، باید بگویم که اگر اهل فیلم‌های پرهیجان و تعلیق هستید، این فیلم اصلاً و ابداً جزو این دسته به حساب نمی‌آید. علوم انسانی، از آن دسته فیلم‌هایی است که جان می‌دهد عصر یک روز پاییزی، بعد از دوندگی‌های طول روز، چایی دم کنید و یک پتو نازک دور خود بپیچید و به تماشای آن بنشینید. از آن دسته فیلم‌هایی که می‌توانید به‌عنوان فیلم حال خوب کن به دوستانتان معرفی کنید.

در این فیلم با چه چیزی سر و کار داریم؟ جسی فیشر (با بازی جاش ردنر) پسری ۳۵ ساله، خوره کتاب و ساکن نیویورک است. یکی از استادان دوران دانشجویی‌اش در کالج علوم انسانی در اوهایو، با او تماس می‌گیرد و به جشن بازنشستگی‌اش دعوتش می‌کند. بازگشت جسی به کالج، خاطرات دوران دانشجویی را به یادش می‌آورد. روزهایی که می‌گوید می‌توانست هرچیزی که می‌خواهد باشد و آن را اعلام کند، بدون اینکه کسی او را قضاوت کند یا ایراد بگیرد. در این سفر، جسی با دختر ۱۹ ساله دانشجویی به نام الیزابت آشنا می‌شود. آشنایی‌ای که منجر به شناخت بهتر جسی از خودش می‌شود.

جاش ردنر، داستان شیرینی از بالا رفتن سن، پیری و تلاش برای بازپس‌گیری جوانی را روایت می‌کند. همان‌طور که شخصیت اصلی فیلم و هرکسی که سال‌ها پس از فارغ‌التحصیلی به دانشگاه خود بازگشته است متوجه می‌شود، جایگاه ویژه‌ای که قبلاً داشته‌ایم دیگر وجود ندارد و بدون حضور ما همه چیز ادامه پیدا کرده است. تلاش برای بازپس‌گیری افتخارات قدیمی معمولاً با شکست مواجه می‌شوند، اما این بدان معنا نیست که افتخارات و دستاوردهای جدید منتظر ما نیست. این پیام، همان چیزی است که در مبارزه با سن‌گرایی باید آن را سرلوحه قرار دهیم. پیر شدن ترسناک نیست. با بالا رفتن سن و بازنشستگی قرار نیست زندگی ما به پایان برسد. در سکانسی از فیلم پیتر، استاد بازنشسته‌ای که جسی را به اوهایو دعوت کرده است، به او می‌گوید که از ترک کردن کالج و اوهایو می‌ترسد. او می‌گوید که شبیه به یک زندانی شده است که به‌صورت مشروط آزاد شده و متوجه می‌شود که با دنیای بیرون غریبه است، در نتیجه ترجیح می‌دهد دوباره مرتکب جرم شود تا به زندان برگردد، به جایی که به آن عادت دارد.

این موضوع همان کلیشه و تعصب است. با بالا رفتن سن، ما به‌صورت مداوم از محیط اطراف پیام‌هایی دریافت می‌کنیم که ناتوانی و اتمام فرصت را به ما القا می‌کنند. پیام‌هایی که بسیاری از ما حتی متوجه آن نیستیم. دم دستی‌ترین و ساده‌ترین مثال، شرایط استخدام در ادارات خصوصی و دولتی است. مهم نیست شما چه میزان سواد و تجربه داشته باشید، اگر سنتان بالای ۴۰ سال باشد به سختی می‌توانید شغل جدید پیدا کنید. یعنی اگر تا پیش از این سن شغل مناسبی پیدا نکرده‌اید، دیگر دیر شده! و اگر هم شاغل هستید، اجازه تغییر مسیر ندارید و باید تا بازنشستگی همانجایی که هستید بمانید.

هنرهای لیبرال فیلمی کوچک و دوست داشتنی درباره ایده‌آلیسم، واقعیت زندگی، ماهیت پیچیده پیری و زیبایی تجربه است. تقابل رمانتیسم دانشگاهی در مقابل واقعیت پیری بخوبی نشان داده شده است. آنچه ما قبل از سی سالگی در مورد پیری تصور می‌کنیم، ترسی که از به پایان رسیدن جوانی داریم (در حالی که حتی نمی‌دانیم این دسته‌بندی ریشه در کجا دارد) و فشارهایی که جامعه برای انجام کارها در زمان‌بندی‌های مشخص دارد، می‌تواند منجر به عواقب جبران‌ناپذیری شود. مثل شخصیت دین در فیلم که ترس از آینده او را به سمت افسردگی و خودکشی سوق داده بود.

اگر به شکل کلی نگاه کنیم، از کرم‌های صورت ضد چروک گرفته تا عمل‌های زیبایی و جک‌ها و میم‌های طنزی که در مورد متولدان دهه‌های شصت و پنجاه ساخته می‌شود، یک پیام واضح دریافت می‌شود: پیر بودن چیزی است که باید از آن اجتناب کرد. سن‌گرایی به‌عنوان تبعیض علیه افراد مسن به‌دلیل کلیشه‌های منفی و نادرست به وجود می‌آید و آنقدر در فرهنگ ما ریشه دوانده است که اغلب حتی متوجه آن نمی‌شویم. آنچه باید بدانیم این است که پیری فرایند بسیار پیچیده‌ای است و تفاوت‌های زیادی بین افراد وجود دارد. معمولاً آن‌طور که اکثر مردم انتظار دارند، همه چیز با بالا رفتن سن، تیره و تار نمی‌شود!

علوم انسانی، از آن دسته فیلم‌هایی است که جان می‌دهد عصر یک روز پاییزی، بعد از دوندگی‌های طول روز، چایی دم کنید و یک پتو نازک دور خود بپیچید و به تماشای آن بنشینید. از آن دسته فیلم‌هایی که می‌توانید به‌عنوان فیلم حال خوب کن به دوستانتان معرفی کنید.

جدول مشخصات فیلم	
نام فیلم	Liberal Arts
کارگردان	Josh Radnor
امتیازها	
IMDB	۱۰/۶/۷
Rotten Tomatoes	٪۷۱

در سکانسی از فیلم پیتر، استاد بازنشسته‌ای که جسی را به اوهایو دعوت کرده است، به او می‌گوید که از ترک کردن کالج و اوهایو می‌ترسد. او می‌گوید که شبیه به یک زندانی شده است که به‌صورت مشروط آزاد شده و متوجه می‌شود که با دنیای بیرون غریبه است، در نتیجه ترجیح می‌دهد دوباره مرتکب جرم شود تا به زندان برگردد، به جایی که به آن عادت دارد